

تفسیر سوره زلزال (جلسه اول)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا (۱) وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲) وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳) يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴) بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (۵) يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

آن‌گاه که زمین را به آن لرزش شدید و هولناکش بلرزاند، (۱) و زمین مردگان را که بار گرانی برآند، از دل خود بیرون افکند، (۲) و آدمی شگفت‌زده گوید: زمین را چه شده که این‌گونه به لرزه درآمده است؟ (۳) آن روز زمین خبرهای خود را بازگوید و بر اعمال انسان‌ها گواهی دهد؛ (۴) بدان سبب که پروردگارت به آن وحی کرده است که چنین کند. (۵) آن روز مردم از جایگاه خود در صحنه قیامت پراکنده و به سوی بهشت یا دوزخ روانه می‌شوند تا سزای کارهایشان به آنان نشان داده شود. (۶) پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند، آن را خواهد دید. (۷) و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند، آن را خواهد دید. (۸)

شناسه و موضوع محوری سوره

خب سوره زلزال، سوره ای است مکی است. موضوع محوری این سوره هم تدوین پاره ای از بدیهیات از پدیده های اساسی و ذکر غایت آن که حسابرسی و کیفر و پاداش انسان ها هست.

آیه اول

آیه اول این است که اذا زلزلت الارض زلزالها.

«زلزلت»

خود واژه زلزله یا زلزله که ما در عرف به کار می بریم از زل هست. این زل دوبار تکرار شده زل زل بوده که بعد در هم ادغام شده است شده زلزال. تکرار این واژه هم برای این است که بگوید این حرکت زمین یک حرکت پرتکرار است، یک حرکت متعددی هست. زلزله یعنی حرکت پر تکرار و متعدد زمین. نکته دیگر این است که این زلزله فرمود، نفرمود زلزلاً. اگر می گفت زلزلاً یعنی زمین یک لرزشی پیدا می کند، یک حرکتی پیدا می کند. اما گفت زلزله ضمیری آورد این ضمیر برمی گردد به أرض. میخواهد بگوید این

زلزله ای که در آستانه قیامت رخ می دهد یک زلزله ویژه است، یک زلزله مختص به زمین در آستانه قیامت است و نامتعارف است. زلزله زمین رخ می دهد در روز قیامت، زلزله ای که تجربه نشده است. خب اکثر انسان ها در طول عمرشان زلزله را تجربه کردند یا خودشان تجربه کردند یا شنیدند یا الان در این دهه های اخیر و اینها که دیگر این رسانه ها آمده زلزله ها را می شود دید و مشاهده کرد. اما قرآن می گوید نه، زلزله ای رخ می دهد که برای هیچ کدامتان متعارف نیست، برای هیچ کدامتان آشنا نیست. یک زلزله ویژه ای رخ می دهد.

تفاوت زلزله دنیوی با زلزله اخروی

درباره تفاوت این زلزله با زلزله های متعارف دو نکته را مفسران به درستی فرمودند که **بین زلزله روز قیامت یعنی در آستانه قیامت با زلزله های دنیوی دو تا تفاوت اساسی وجود دارد**. یک تفاوت این است که در زلزله های دنیوی و معمولی عامل زلزله یک عامل درونی است. آن انرژی و بخاراتی که مثلا در زمین هست م یخواهد خارج بشود باعث حرکت می شود. یا در واقع تلاقی صفحات زمین در آن امتداد گسل ها باعث زلزله می شود.

خب این یک عامل درونی دارد، یک عامل مادی دارد. اما زلزله ای که در روز قیامت رخ می دهد این عامل درونی و مادی ندارد یک عامل بیرونی دارد، یک عامل فرامادی دارد و فرا زمینی دارد. آن عامل است که باعث زلزله می شود.

نکته دیگر این است که تفاوت دیگر این است که در زلزله های دنیوی بخشی از زمین دچار زلزله می شود یک کیلومتر در یک کیلومتر، پنج کیلومتر در پنج کیلومتر، کمی بیشتر، کمی کمتر. اما در آستانه قیامت **کُلّ سیاره زمین را دچار لرزش و زلزله می شود**. بلکه کل زمین هایی که وجود دارد، هر زمینی که وجود دارد دچار زلزله می شود. کل آسمان ها و سیارات و کهکشان ها و منظومه ها دچار زلزله می شوند و به تعبیر حضرت استاد آیت الله جوادی آملی **حفظه الله جهان لرزه هست در آستانه قیامت نه زمین لرزه**. کل جهان طبیعت در واقع دچار این لرزه و لرزش میشود.

به همین خاطر خداوند متعال در **سوره حج** از این زلزله در آستانه قیامت تعبیر به **شیء عظیم** کرده است. می فرماید **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ**؛ زلزله ای که در روز قیامت رخ می دهد از زلزله ای که مختص **ساعت** هست. ساعت یکی از اسامی روز قیامت است.

زلزله ای که مختص روز قیامت است شی عظیم است. خداوند متعال که اکبر من آن یوصف هست، اکبر من کُل شی هست، عظیم تر از همه هستی است، خداوند

متعال می فرماید: این زلزله شی عظیم یوم ترونها تذهل کُل مَرَضِعَهُ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ؛ لکن عذاب شدید خداوند متعال شدید است.

خب ملاحظه می فرمایید که این آیه دوم، این زلزله را دارد شرح می دهد. زلزله روز قیامت یک زلزله ای است که هر زن شیرده ای در حال شیردهی بچه اش هم که هست آن در واقع آن پستانش را از دهان فرزندش در می آورد و فرزندش را رها می کند و از ترس و وحشت در واقع مراقب خودش هست. یا زنان بارداری که فرزند خودشان را در واقع وضع می کنند. و تو مردم را مست می بینی ولی آنها مست نیستند؛ یعنی مست از طریق شراب و مُسْكَرَات نیستند. مست از این زلزله هستند، از این وحشت و از این زلزله نامتعارفی که در واقع دارند تجربه می کنند.

خب، بنابراین این زلزله ای که در آستانه قیامت هست و این آیه ناظر به آن هست یک حادثه و رخداد در واقع بسیار عظیمی هست که قرآن کریم می فرماید شما هنوز تجربه نکردید و در آن آستانه قیامت باید تجربه بکنید. نکته دیگر اینکه از آیات قرآن کریم درباره این آیه به دست می آید این است که قرآن کریم تاکید زیادی دارد بر اینکه این زلزله آستانه قیامت را به طور دائم یادآوری کند با بیانات مختلف تکرار بکند و توضیح بدهد. یکی همین آیه اول سوره حج بود که قرائت شد.

یکی آیه دیگری هست یوم ترجف الارض و الجبال؛ روزی که زمین می لرزد. تَرَجْفُ از رَجَف. رجف همان زلزله هست. زلزله شدید و با عظمت را عرب از آن تعبیر می کند به رَجَف یا رَجَف. خب ببینید در یک زلزله شدید، زلزله شدید و با عظمتی رخ می دهد. بعد می گوید هم زمین می لرزد و هم کوهها می لرزند. یا در آیه دیگر می فرماید: اِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا؛ زمانی که زمین دچار رَج می شود. رَجَّ بآزبه معنای زلزله هست. به معنای حرکت شدید هست.

یا در آیه دیگر کَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا؛ زمانی که زمین دچار دَك می شود. به لحاظ لغوی دَك به معنای کوبیدن سخت و متلاشی کردن است. اِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا؛ یعنی زمانی که زمین بارها کوبیده می شود و متلاشی می شود. اگر معنای لغوی را در نظر بگیریم، این آیه خیلی ناظر به زلزله نیست، ناظر به یکی دیگر از

تحوّلات سیاره زمین است. اما در برخی از روایات آمده است که مُراد از اذا دکت الارض دگّا دگّا؛ همان اذا زلزلت الارض زلزالها هست. یعنی مُراد از دكّ در اینجا زلزله هست.

عده ای از مفسرین هم بر اساس همین روایات این تفسیر را بر این آیه کردند. اگر این روایات را بپذیریم خب این آیه هم می شود یکی از آیاتی که ناظر است به زلزله روز قیامت.

غایت زلزله اخروی

نکته دیگر این هست که غایت این زلزله چیست؟ یعنی هدف از این زلزله ای که رخ می دهد برای زمین و زمین ها و سیاراتی که هست، چیست؟. خب برخی ها گفتند که این زلزله مقدمه و شرط دگرگون شدن زمین است. برخی ها هم گفته اند نه؛ این زلزله مقدمه برچیده شدن زندگی دنیوی است؛ یعنی مرگ انسان هایی که در روی زمین هستند و برای ایجاد ترس و وحشت انسان ها هست.

پس دوتا غایت ذکر شد. به نظر ما این دوتا قابل جمع است؛ یعنی بگوییم که زلزله ای که رخ می دهد دوتا غایت به دنبالش هست. یکی مرگ انسان های روی زمین است، همراه با آن وحشت و ترسی که هست. دیگر اینکه خود این زمین بناست تبدیل بشود به یک زمین دیگری. این زمین مادی دنیوی با نقایص و آفات و لوازم مادی و دنیوی باید تبدیل شود به زمینی که این لوازم مادی را دیگر ندارد. این نقصان های زمین مادی را ندارد، این کمبودها را ندارد.

در واقع این زلزله مقدمه است برای اینکه زمین اوصاف مادی خودش را از دست بدهد و تبدیل بشود به زمین اخروی. ضمن اینکه همراه با این دگرگونی ماهوی کره زمین در سیارات، ضمناً این انسان های روی زمین هم دچار مرگ و ترس و وحشت می شوند.

این تفسیر را آیات دیگر هم تایید می کند. مثل آیه ۴۸ سوره ابراهیم که می فرماید: **یوم تبدل الارض غیر الارض و سماوات**؛ روز قیامت روزی است که این زمینی که در آن سکونت دارید تبدیل می شود به زمین دیگری. آسمان ها هم تبدیل می شوند به آسمان های دیگری؛ **یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ**.

در هر تبدیلی در واقع ما یک مُبدلی داریم و یک چیزی است که تبدیل می شود به شی دیگری. یک الفی داریم و یک ب. آنکه شی الف می خواهد تبدیل بشود به شی ب زمانی شما شی ب را میتوانید تبدیل شده شی الف بدانید که اوصافی از الف در آن باشد. اگر این شی ب هیچ چیزی از ماهیت و لوازم شی الف را نداشته باشد که

نمیتوانیم بگوییم تبدیل شده اوست. ضمن اینکه شی ب نباید عین الف باشد. اگر عین الف بود همه آنچه که الف دارد این هم داشته باشد که نمی توانیم بگوییم که تبدیل شده است. پس شی ب یک چیزهایی را از الف دارد و یک چیزهایی را هم ندارد. یک چیزهای جدیدی دارد. این می شود تبدیل. پس قرآن می خواهد بگوید این زمین مادی و دنیوی شما تبدیل می شود؛ یعنی یک برخی از ویژگی های این زمین در زمین آخروی هست. یک ویژگی هایی زمین آخروی دارد که زمین دنیوی ندارد و یک سری از ویژگی هایی که زمین دنیوی هم دارد که در زمین آخروی نیست. پس یک دگرگونی ماهوی در گره زمین رخ می دهد. توضیح بیشتر و تکمیل انشاءالله در زمان دیگر و آیات دیگر اگر توفیق بود.

باز آیه دیگری که این تفسیر را تایید می کند و اشرف الارض بنور ربهها؛ در روز قیامت زمین در واقع با نور خدا روشن است بر خلاف زمین دنیوی که باید نورش را از اشیا دیگر، از سیارات دیگر، از خورشید بگیرد. اما دیگر در روز قیامت اینجوری نیست. زمین نورش را در واقع از خداوند متعال دارد. **وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ**. در روایات و آیات دیگر نور از خود مومن است. نور زمین از مومن است؛ یعنی زمین برای مومن روشن است؛ اما برای منافق دیگر تاریک است. لذا در سوره حدید دارد که منافقانی که از قبر بیرون می آیند همه جا برایشان تاریک است. از مومنان تقاضا می کنند بایستند و به آنها ملحق بشوند تا از نورشان استفاده بکنند. **يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسِبْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ**. آیه ۱۳ سوره حدید.

آیه دوم

آیه بعد آیه دوم: **واخرجت الارض اثقالها**؛ خب روز قیامت روزی است که زمین هم دچار زلزله می شود و هم ائقال خودش را، سنگینی های خودش را بیرون می ریزد. **وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا**.

مراد از «ائقال»

عده ای از مفسران از قُدما و از متأخرین؛ البته در میان متأخرین قولی که می خواهم عرض کنم خیلی طرفدار ندارد و شاید هم اصلا نداشته باشد من ندیدم در این چندتا تفسیری که از موخرین دیدم.

اما در میان قُدَمَا داریم که مرحله بعد از قدما غیر از متاخرین داریم که گفتند مُراد از ائقال در اینجا طلا و جواهر است. معادن قیمتی است. روز قیامت زمین معادن قیمتی خودش را رو می آورد، خارج می کند در روی زمین قرار می دهد تا حسرت کافران و دنیا پرستان بیشتر شود. آنها ببینند این طلا و جواهر و ثروت هایی که عمرشان را، روحش را، حیاتشان را برایش خرج کردند، الان روی زمین بلا استفاده شده و سودی هم به حال آنها ندارد. عده زیادی از مفسرین این تفسیر را نپذیرفتند به درستی هم در واقع این دیدگاه اول را نقد کردند. باز این نقد را هم در میان مفسران اهل سنت داریم و هم در میان مفسران شیعه داریم و نقد درستی هم هست که می فرمایند که در این آیه می فرماید زمین سنگینی های خودش را بیرون می ریزد. معادن که برای زمین سنگینی نیستند؛ به خاطر اینکه معادن خاک بودند و بخشی از زمین بودند. در واقع این زمین هست که بخشی از خاک خودش را تبدیل به سنگ می کند در یک فرآیندی و باز آن سنگ در یک فرآیندی تبدیل به یک سنگ در واقع پر ارزش و قیمتی می شود.

پس معادن ماهیت آرضی دارند و از جنس آرض هستند و چیزی که از جنس آرض هستند که سنگینی آرض نیست، ثقل آرض نیست، ائقال آرض نیست. در یک روایتی موقعی که امام صادق علیه السلام بیاناتی را و فرمایشاتی را داشتند راوی به حضرت عرض کرد که بیانات شما عین طلا و جواهر است؛ مثل طلا و جواهر است. حضرت فرمودند که حیف نیست این حرف های ما را و معارف ما را تشبیه کردی به طلا و جواهر، هَلِ الْجَوْهَرِ إِلَّا الْحَجَرُ. امام صادق علیه السلام فرمودند که این طلا و جواهری که می گویی اینها سنگ بودند قبلا، خاک بودند، سنگ بودند بعدا تبدیل شدند به این سنگ معدنی. حیف نیست تو معارف ما را و سخنان ما را در واقع تشبیه می کنی به خاک و سنگ و امثال اینها.

خب لذا عده ای گفتند که مُراد از ائقال در اینجا بدن های انسان هاست؛ در واقع انسان ها هستند؛ چرا که خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره رحمان از جنّ و انس تعبیر به ثَقْلَانِ کرده است. **سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ.** در روز قیامت به حساب شما دو طایفه، طایفه جنّ ها و انسان ها می رسیم. می گویند همانطور که خداوند متعال از انسان نسبت به زمین تعبیر به ثقل کرده است، لذا ائقال زمین همین بدن های انسان ها هست که زمین آنها را بیرون می ریزد.

می شود گفت که ائقال زمین در واقع دو چیز است: یکی بدن های انسان هاست، ذرات بدن انسان هاست و یکی هم آن اثری که از گناهان انسان ها بر روی زمین مانده است. البته این خودش یک مبنای تفسیری و هستی

شناختی دارد که آیا اعمال و کردار انسان ها در سیارات، در زمین، در آسمان ها اثر می گذارد یا اثر نمی گذارد؟ قرآن کریم می فرماید که اثر می گذارد. آیات زیادی داریم؛ **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ**

؛ در سوره روم آیه ۴۱ است و این نابسامانی که در دریا و زمین می بینی این اوصاف ناهنجاری، ناگواری که در دریا و زمین می بینید این به خاطر گناهی است که شما در روی زمین انجام می دادید.

یا در آیه ۹۰ سوره مریم می فرماید: **تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًا أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا**

؛ اینکه بت پرستان و مشرکان می گویند خدا فرزند دارد و اینکه فرزند را به خدا نسبت می دهند این باور، این سخن آنقدر سنگین است و در واقع نامناسب است که زمین نزدیک است که در واقع شکاف بردارد یا آسمان ها شکاف بردارند یا کوه ها فرو بریزند.

خب اینها در واقع یک وقت هست که شما می گوید اینها تشبیه است و قرآن دارد تشبیه می کند، مبالغه دارد می کند، از باب مبالغه دارد بیان می کند، معنای حقیقی مژد نیست. یک وقت می گوئیم نه در واقع قرآن می خواهد بگوید این باورهای شما، این رفتار شما، این اعمال اثر می گذارد در زمین و سیارات و اینها.

خب اینها می شوند در واقع وصله ناچسب برای زمین. ثقل زمین می شوند، از جنس زمین نیستند اینها. از جنس آن هویت و معنوی باطنی زمین نیستند. در روز قیامت زمین از آنچه که از غیر خودش هست را بیرون بریزد، پیراسته بکند. چون می خواهد متحول بشود به یک زمین آخری، به یک زمین ملکوتی.

پس باید این غیر خودش را اینهایی را که نامناسب هستند؛ یعنی از جنس زمین نیستند را از خودش جدا بکند. روایتی هم از امام صادق علیه السلام داریم که مؤید این تفسیر هست و آن روایت این است که زمین روز قیامت زمینی است که در آن گناه نشده است یا زمین دنیوی در روایت این است تبدیل میشود به زمینی که در آن گناه نشده است؛ یعنی از آثار گناه پاک است. نشانه های گناه و آثار گناهان قبلی در آن نیست.

اگر کسی این وجه را پذیرفت خب در واقع می تواند یکی از معانی انتقال باشد اگر نه آن وجه دوم در واقع وجه خوبی است. جمع این دو تا به نظر ما در واقع ایرادی ندارد، قابل جمع است انتقال یعنی بدن های انسان ها و آثار در واقع باورها و اعمال انسان ها که در زمین بوده است.

بحث بعدی این است که چه ارتباطی بین اخراجت الارض اثقالها و زلزلت الارض زلزالها هست؟ آیا اینها در واقع در یک موطن رخ می دهند، یک ترتبی هست؟ یعنی زمین می لرزد لازمه و ثمره ی این لرزش زمین، این زلزله این است که بدن های انسان ها بیاید رو و در واقع زمین این بدن های انسان ها را از خودش خارج کند، از خودش بیرون بریزد.

برخی از مفسران گفتند که چنین رابطه ای هست؛ منتهی مراتب اینها قائل به دوتا زلزله هستند. می گویند یک زلزله در آستانه قیامت رخ می دهد و انسان ها می میرند و وارد عالم برزخ می شوند، بعد که در عالم برزخ رفتند و نفخه اول رخ داد برای اینکه از عالم برزخ بیایند به عالم دنیا یک زلزله دیگری رخ می دهد در روی زمین، همین زمین مادی.

در این زلزله دوم است که اخراجت الارض اثقالها هست و اینها معتقدند که این آیه اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا ناظر است به زلزله دوم نه آن زلزله اولی که در آستانه قیامت رخ می دهد. اینها می فرمایند که مؤیدی هم داریم در سوره نازعات این تفسیر ما تایید شده چون در سوره نازعات داریم که يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ؛ روز قیامت روزی است که رَاجِفَةٌ می آید. رَاجِفَةٌ یعنی لرزاننده؛ پس در روز قیامت لرزاننده ای زمین را می لرزانند به دنبال آن لرزش، تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ؛ یک لرزاننده دومی می آید. در ردیف آن لرزاننده اول و لرزش اول، لرزش دومی داریم.

اینها می گویند که رَاجِفَةٌ ناظر است به زلزله ای در آستانه قیامت، رَادِفَةٌ ناظر است به زلزله بعد از نفخه اولی. زمانی که انسان ها می خواهند وارد محشر شوند این لرزش در واقع رخ میدهد.

خب اما اشکالی که بر این دیدگاه به نظر ما وارد است این است که آیات این را تایید نمی کند؛ یعنی ظهور این آیات دلالت دارند که اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا ناظر است به زلزله در آستانه قیامت، نه بعد از نفخه اولی و آیه سوره حج هم این را دارد در واقع تایید می کند. ضمن اینکه عده زیادی از مفسران رَاجِفَةٌ را به معنای لرزاننده معنا نکردند و به معنای نفخه اولی معنا کرده لند. گفتند رَاجِفَةٌ یعنی نفخه اولی، رَادِفَةٌ هم نفخه ثانیه است. اصلاً ربطی به لرزش زمین و زلزله و امثال اینها ندارد.

نکته دیگر این است که ما در آیاتی داریم که آن آیات خروج انسان ها از زمین را بر زلزله مترتب نکرده و هر چند در سوره زلزال داریم: اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا و اِخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا، اما در برخی از سوره های دیگر در واقع بیان به شکل دیگری قرآن کریم در آنجا می فرماید که وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا

وَتَخَلَّتْ، روز قیامت روزی است که زمین دچار وسعت می شود، گسترانیده می شود، گسترش زمین بیشتر می شود. **القت ما فيها و تخلت**، آنچه که در درون خودش هست را بیرون می ریزد و خالی می شود از غیر خودش.

ملاحظه می فرمایید در این سوره خالی شدن از زمین از غیر خودش که همان بدن های انسان ها باشد را مترتب کرده بر چی؟ بر گسترش یافتن زمین؛ **وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ**. در سوره زلزله در واقع شما باید بگویید که مترتب شده بر زلزله و این آیات در واقع با هم نمی خوانند.

بنابراین به نظر ما **اذا زلزلت الارض زلزالها** ناظر است به یکی از پدیده ها و رخدادهای روز قیامت که در آستانه قیامت است و **اخرجت الارض ائقالها** هم ناظر است به یکی دیگر از پدیده های روز قیامت که در آستانه حشر رخ می دهد. اینجوری نیست که اینها نوعی همزمانی داشته باشند یا ترتب برهم داشته باشند.

نکته دیگر در اینجا این است که در واقع مُراد از **اخرجت الارض ائقالها** چیست؟ یعنی معنای ظاهری این آیه مُراد است؟ یعنی آیه یک معنای کنایی را می خواهد به ما القا بکند؟ واقعا زمین می آید این ذرات بدن انسان را می ریزد بیرون در آستانه قیامت و حشر؟ یا این آیه در کنار آیات دیگر مجموعا می خواهند یک معنای عمیق تر دیگری را به ما القا بکنند و تکمیل بکنند غیر از این معنای ظاهری و لغوی شان.

بنده برای اینکه به یک نتیجه ای برسیم چندتا مقدمه را باید خدمت شما عرض بکنم. **اولین مقدمه** این است که بدن دنیوی ما و این بدن ما که الان داریم و بعد از مرگ در قبرها قرار می گیرد این از ماده است. یعنی از یک شی مادی و جسمانی بوده است. از نطفه بوده است که این نطفه خودش از ذرات گیاهان و خوراکی ها و اینها پدید آمده است یا حضرت آدم که مستقیما از خاک و ماده در واقع بدنش پدید آمد و ساخته شد و خلق شد.

نکته دوم این است که بعد از مرگ بدن ما در زمین قرار می گیرد و مانند دیگر اشیا در چرخه طبیعت قرار می گیرد و تجزیه می شود و تبدیل می شود به عناصری که در زمین و در عالم دنیا هست. **مقدمه سوم** این است که بدن اخروی ما یعنی بدنی که در محشر قرار می گیرد فاقد نواقص مادی است و اوصاف مادی هست و یک موجودی زنده با درک و فهمی که سخن می گوید، نه پیر می شود، نه فرتوت می شود، نه از بین می رود، نه بیمار می شود، نه از عوامل بیرونی، مادی یعنی علل مادی اثر می گیرد، نه اثر می گذارد.

نکته دیگر این است که سخن از الحاق بدن به روح است. یعنی بدن باید ترقی پیدا کند در واقع یک نوع تحول رُتبی در وجود پیدا بکند تا مُلحق به روح بشود. نکته دیگر این است که **زمین اخروی با زمین دنیوی فرق**

دارد. این را عرض کردیم و یک اشاره ای کردیم که زمین تبدیل می شود به یک زمین دیگری که به اصطلاح یک توضیح اجمالی دادیم.

نکته دیگر این است یا مقدمه دیگر این است که مقصود از ارض در اخرجت الارض اثقالها سیاره زمین نیست؛ یعنی این قبرهای مادی نیست. چرا؟ چون عرض کردیم که در واقع زمین تبدیل می شود به یک زمین دیگری. آنچه که در آن هست تبدیل می شود به در واقع زمین دیگری. آن زمینی که زمین محشر است یک زمین مادی نیست؛ زمین متحول شده است یک ارض تبدیل شده هست. عرض کردیم واذا الارض مدت والقت مافیها وتخلت همین را می خواهد بگوید. آنجا می گفت زلزله اینجا می گوید که مدّ، گسترش پیدا میکند، وسعت پیدا میکند.

یا در سوره ق آیه ۴۴ می فرماید يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ؛ روز قیامت روزی است که زمین شکاف برمی دارد عنه از انسان ها. باز اینجا ضمیر هم را به کار برد. ضمیر هم برای ذوی العقول به کار می رود. برای موجوداتی که زنده هستند و عقل و شعور و آگاهی دارند. زمین شکافته می شود انسان های عاقل با شعور آگاه و با روح از زمین با سرعت بیرون می آیند. در حالی که این زمین مادی و دنیوی در واقع ذرات مادی را در خودش دارد. ما در خودش دارد نه من یا هم.

نکته دیگر در آیه ۵۱ سوره یس است که فرمود وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ. در آیه شریفه مورد بحث ما می گوید زمین انقلاب را بیرون می ریزد و در این آیه می فرماید که خود انسان ها که زنده هستند؛ فاذا هم من الاجداث، اجدات یعنی قبرها، از قبرها بیرون می آیند. پس باز مراد از اجدات در اینجا نمی تولد قبر مادی و دنیوی باشد همچنان که ارض در اخرجت الارض اثقالها نمی تولد ارض مادی باشد.

اذا زلزلت الارض زلزالها، ارض در آنجا این ارض مادی است. اخرجت الارض اثقالها دیگر شما نمی توانید بگویید این ارض هم ارض مادی است به خاطر این ملاحظاتی که عرض کردیم.

آیه دیگر آیه ۱۳ و ۱۴ سوره نازعات است این آیه را هم بخوانیم انشالله ادامه بحث باشد برای جلسه بعد. فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ؛ در آستانه حشر انسان ها و ورود انسان ها به زمین محشر را دارد توضیح می دهد. می

فرماید یک طرد کردن است. زَجْرَه یعنی طرد کردن و راندن. فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ، زمانی که این طرد رخ می دهد، انسان ها، ضمیر هُم باز به کار برد، انسان های دارای روح و عقل و آگاهی بالساهره هستند.

ساهره را مفسران گفتند مُراد از ساهره زمینی است که صاف باشد. زمین صاف بدون پستی و بلندی و بدون گیاه و آب و علف را می گویند ساهره. یعنی زمین قیامت اینگونه است، صاف است، هیچ پستی و بلندی ندارد؛ نه در آن اَمَت است نه عَوَج است به تعبیر قرآن کریم؛ نه پستی و نه بلندی در آن هست.

از سَهْرَه هست با هاء دو چشم. سهره یعنی بیداری، بی خوابی، بی غفلتی. برخی ها به درستی گفتند ساهره که دارد می گوید مراد زمین مادی نیست. فاذا هم بالساهره اینها در یک عالمی قرار می گیرند، در یک زمینی قرار می گیرند که در آن زمین یک غفلت نیست، در آن زمین یک گناه نیست، در آن زمین دیگر خواب نیست، در آن زمین دیگر شخم زدن نیست.

فاذا هم بالساهره به ناگاه اینها در واقع در ساهره قرار می گیرند، در یک موطنی قرار می گیرند که تفاوت دارد با زمین دنیوی. با توجه به این نکاتی که عرض کردم اگر ما بخواهیم تک تک این آیات را با هم ببینیم؛ یعنی یک نوعی تعارض وجود دارد و با آن سازگار نیست. یک جا می گوید زلزله و اخرجت الارض ائقالها. یکجا می گوید مَدٌّ؛ اذا الارض مدت و القت ما فيها و تخلت. یکجا در آیه ای می گوید يوم تبدل الارض غير الارض. یکجا می گوید يوم تشقق الارض. اینها را اگر بخواهیم مجموعاً در نظر بگیریم، می بینیم که نمی توانیم بگوییم مُراد تحت اللفظی این آیات است؛ بلکه این آیات در واقع می خواهند بگویند که این یک تحولاتی در زمین رخ می دهد و همراه با این تحولات، تحولاتی که در ذرات بدن انسان ها رخ می دهد و مراحل بعد که انشاءالله در جلسه بعد یک اشاره بیشتری می کنیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.